



پناه یبگیری مشکلات ما

قصه به اندازه کافی در دنیا کاسته آن قدر در دناک که حتی شنیدنش از زبان هر فردی و یا حتی فکر کردن به آن اشک را از چشمانت سرازیر می کند، چه برسد به آن که اوی مادر باشد، مادری سراسر بغض و حسرت، مادری که هنوز در دم بر چهره اش سبکینی می کنی در گوئی قر نیتست حالا حالا ها از آن خت بر نیند، تلخی سیل خراب میشد از همان دقیق اولیه وقوع، چنان بر قامت ما اهالی تحریریه «خراسان» نشست که آب دست ما بود گداشتیم کنار تاپای کار یبگیری مشکلات سیل زدگان استان باشیم، از یبگیری مجده انه اقدامات یبگیرانه متوالیان برای جلوگیری از خسارت جدی سیل در همان ساعات اولیه گرفته که به رفتار سیخف و غیر حرفه ای و غیر مسئولانه آقای مسئول یبگیری از بخران در شهر دایر می شدد بر تگاری از انجمنید تا یبگیری مدوم و صیت سیل زدگان که به مشهد آمد مشورت و تحصیلاتش را ادامه داد. اردیبهلی بعد از مدتی مدیریت مدرسه «رحیمیه» مشهد را به عهده گرفت، با شروع استبداد صغیر در دری به نوب بسته شدن مجلس شورای ملی، فعالیت کسانلی مانند سید حسین اردیبهلی با محدودیت مواجه شد. او بعد از انفجار بمب در محل انجمن ایالتی خراسان، مصمم شد که نشریه ای را بنام «خراسان» منتشر کند، همین کار را هم کرد، انتشار نشریه «خراسان» گفتوگو با مسئولان قضایی و رسیدگی به مطالبات سیل زدگان بودیم، ماجرای از همین هفتشهریان سیل زده هم غم ما از وقوع این حادثه را دوچندان کرد و هم مسئولیت جدی «خراسان» در یبگیری مطالبات و مشکلات مردم را بیش از پیش به ما گوشزد کرد؛ دشمنانابه هیتدینامه برای یبگیری مشکلات ما، ماهوز قر فاریم، هنوز خانه زندگی ما بر ای اسکان مناسب نیست، هنوز غم داریم، هنوز محله ما، نوی تعفن ناشی از طوبیت شیدین هدد، شما که از همان اول یبگیری مشکلات ما بودید دوباره

سری به محله ما نیند که ببینیدوضع ما چگونه است، سری به مازنیند، خواوشی می کشم یبگیری مشکلات ما را اول نکشید؛ صدای پشت خط بر از بغض بود، ا اهالی سیل زده خیابان ۹۶ ساه که یکی از محلات با بیشترین خسارت در سیل اخیر بود، هنوز گرفتار از مشکلات. چند روز بعد یکی از همکاران شماره تلفنی داد؛ مادری که در تماس با روزنامه «خراسان» خواسته بود که برای رسیدگی به مشکلات شان دوباره سری به محله بزنیم، مادر روزنامه علاوه بر دو کودک دلبندش در اسل اخیر جلوی چشمانش از دست داده بود. قشیم در ماکرند سیل دوباره سری به سیل زدگان زدیم و روایت ها و کلام های شان را منتشر کردیم؛ آینه ای را به یاد از وضعیت سیل زدگان و تلنگری باشد بر ای مسئولان به منظور تسریع در یبگیری مشکلات آن ها. آن قصه متعلق که در بدایه این مطلب نوشتیم، روایت است که در دناک همین مادر است که بهر گزارش روز گذشته روزنامه «خراسان» از وضعیت سیل زدگان منتشر شد. روایتی تلخ از چند دقیقه آخری دناکین دوشرفته کوچک بر کشیدند و دردی که به جان آن مادر افتاد این هار انوشتم که یاداری کشم به خودمان و همان ها که صاحب قلم هستند روزنامه این که چشم امید ما بر مردم به همین قلم یبگیری ها و مطالبه گیری های ما ست؛ این که جدی تر و مسئولیت پذیرانتر از گذشته قلم به دست بگیریم.

بزرگان فرهنگ و ادب ایران، نویسندگان دیرینه خراسان ۷۶ ساله

در آستانه یکم تیر ماه، سالروز انتشار پیوسته روز نامه خراسان، از نقش و تاثیر استاد محمدرضا شفیعی کدکنی وزنده یادان ملک الشعرا بهار د کتر علی شریعتی، حسن عمید و... در شکل گیری و اعتلای این میراث مکتوب نوشته ایم

گروه ادب و هنر – ۱۶ سال از انتشار اولین شماره و نشریه خراسان ۲۷ اسفند ۱۲۸۷ هجری شمسی و ۷۶ سال از انتشار نخستین شماره روزنامه خراسان به طور مداوم و پیوسته در یکم تیر ۱۳۲۸ می گذرد؛ سال هایی که حکایت از تاریخ پر فراز و نشیب این

سید حسین اردیبهلی؛ نخستین مدیر روز نامه خراسان

اگر از نخستین مدیر نشریه خراسان در عصر مشروطه بخواید بدانید، باید بگوییم نام او سیدحسین اردیبهلی است که متولد۱۲۵۸ هجری شمسی در آردیبهیل بود. او بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی در آق طریق قفقاز به مشهد آمد مشورت و تحصیلاتش را ادامه داد. اردیبهلی بعد از مدتی مدیریت مدرسه «رحیمیه» مشهد را به عهده گرفت، با شروع استبداد صغیر در دری به نوب بسته شدن مجلس شورای ملی، فعالیت کسانلی مانند سید حسین اردیبهلی با محدودیت مواجه شد. او بعد از انفجار بمب در محل انجمن ایالتی خراسان، مصمم شد که نشریه ای را بنام «خراسان» منتشر کند، همین کار را هم کرد، انتشار نشریه «خراسان» گفتوگو با مسئولان قضایی و رسیدگی به مطالبات سیل زدگان بودیم، ماجرای از همین هفتشهریان سیل زده هم غم ما از وقوع این حادثه را دوچندان کرد و هم مسئولیت جدی «خراسان» در یبگیری مطالبات و مشکلات مردم را بیش از پیش به ما گوشزد کرد؛ دشمنانابه هیتدینامه برای یبگیری مشکلات ما، ماهوز قر فاریم، هنوز خانه زندگی ما بر ای اسکان مناسب نیست، هنوز غم داریم، هنوز محله ما، نوی تعفن ناشی از طوبیت شیدین هدد، شما که از همان اول یبگیری مشکلات ما بودید دوباره

ملک الشعرا بهار؛ یکی از بنیانگذاران روزنامه خراسان

حدود هشت ماه بعد از واقعه به توپ بستن مجلس به فرمان محمد علی شاه در سال ۱۲۸۷ و همچنین آغاز استبداد صغیر، تعدادی از مشروطه خواهان مشیدی با هدف آگاهی بخشی به مردم آن روز کار گرد هم آمدند تا چاره ای یبندیشد؛

یکی از این افراد ملک الشعرا بهار بود. بعد از هم اندیشی های اولیه تصمیم بر این شد که روزنامه ای راه یبندازند. روزنامه ای که با توجه به شرایط و مطالبی که در آن نوشته می شد، البته مخفیانه چاپ می شد. قرار بر این بود که در این روزنامه علاوه بر اخبار مشروطه خواهی ایران و به ویژه خراسان، نویسندگان و خبرنگار ها مردم را برای تقابل با استبداد، بر انگیزانند. سیدحسین اردیبهلی که بعدها نماینده مجلس شورای ملی شد، هز هته های راه اندازی روزنامه را داد و مدیریت آن را به ملک الشعرا بهار، جوان ۲۴ ساله بهر چند که بهر گزارش روز گذشته روزنامه «خراسان» از وضعیت سیل زدگان منتشر شد. روایتی تلخ از چند دقیقه آخری دناکین دوشرفته کوچک بر کشیدند و دردی که به جان آن مادر افتاد این هار انوشتم که یاداری کشم به خودمان و همان ها که صاحب قلم هستند روزنامه این که چشم امید ما بر مردم به همین قلم یبگیری ها و مطالبه گیری های ما ست؛ این که جدی تر و مسئولیت پذیرانتر از گذشته قلم به دست بگیریم.

بهار علاوه بر سروسامان دادن به مطالب و امور مربوط به روزنامه در همان سال ها شعر هایی با توجه به مسائل روزی می سرود و

پنج شنبه ۳۱ خرداد۱۴۰۳، شماره ۲۱۵۱۸ ۱۲ دی الحجه ۱۴۴۵، ۲۰ ژوئن ۲۰۲۲

خراسان روزنامه صبح ایران

خراسان روزنامه صبح ایران

پنج شنبه ۳۱ خرداد۱۴۰۳، شماره ۲۱۵۱۸ ۱۲ دی الحجه ۱۴۴۵، ۲۰ ژوئن ۲۰۲۲

بزرگان فرهنگ و ادب ایران، نویسندگان دیرینه خراسان ۷۶ ساله

در آستانه یکم تیر ماه، سالروز انتشار پیوسته روز نامه خراسان، از نقش و تاثیر استاد محمدرضا شفیعی کدکنی وزنده یادان ملک الشعرا بهار د کتر علی شریعتی، حسن عمید و... در شکل گیری و اعتلای این میراث مکتوب نوشته ایم

گروه ادب و هنر – ۱۶ سال از انتشار اولین شماره و نشریه خراسان ۲۷ اسفند ۱۲۸۷ هجری شمسی و ۷۶ سال از انتشار نخستین شماره روزنامه خراسان به طور مداوم و پیوسته در یکم تیر ۱۳۲۸ می گذرد؛ سال هایی که حکایت از تاریخ پر فراز و نشیب این

حسن عمید؛ نخستین سردبیر روز نامه «خراسان»

زندیهاد حسن عمید، ادیب و روزنامه نگاری چیره دست بود که سال ها در مکتب بزرگانی مانند ملک الشعرا بهار و شیخ احمد بهار درس آموخته بود. او پس از کسب تجربه های فراوان، نخستین سردبیر روزنامه «خراسان» شد. حسن عمید در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در محله سرشور مشهد به دنیا آمد. زندیهاد عمید در سنین جوانی به انجمن های ادبی مشهد پیوست. در همین انجمن ها بود که قتره رفته به طبع شعر و ذوق ادبی خوبی بر دو وارد دنیای ادبیات نوپسندگی شدو بعد از آن فعالیت های مطبوعاتی اش را آغاز کرد. حسن عمید ابتدا به روزنامه «طوس» رفت؛ روزنامه ای که محل چاپ آن، چاپخانه ای در محله باباخایان بود؛ جایی که از اسفند ۱۲۸۷ تا مرد ۱۲۸۸، نخستین شماردهای روزنامه خراسان در آن منتشر شد. در اردیبهلی، نماینده ه مردم در مجلس شورای ملی شد و به تهران رفت. اردیبهلی بعد از انفجار بمب در محل انجمن ایالتی خراسان، مصمم شد که نشریه ای را بنام «خراسان» منتشر کند، همین کار را هم در کنار فعالیت سیاسی، به کار مطبوعه ای ادامه دادو در آن جا سر فون و جنوده. این محصص روزنامه «ایران» در هتتم تیر در ۱۲۹۷ از دنیا رفت و در گورستان مشهور این بابویه شهری به خاک سپرده شد.



سرعت عمل د کتر شریعتی در تولید محتوا برای روزنامه خراسان

حدود ۶۰ سال پیش بود که مقاله د کتر علی شریعتی که آن زمان هنوز جوانی ۲۱ ساله بود بر ای اولین بار به همراه در روزنامه خراسان منتشر شد. البته قدیمی تر ه ای روزنامه می گویند بر آن زمان در ح نام در کنار مقاله و دیگر نوشته ها به محض شروع به همکاری با روزنامه مرسوم نبودو ه از این نکته می توان به این نتیجه رسید که همکاری د کتر شریعتی با روزنامه خراسان به پیش از این تاریخ بر می گردد. آن زمان علی شریعتی تازه دیدیشم را در ر شته ادبی و همچنین دانشسرای تربیت معلم گرفته بود.

ظواهر ارتباط او با روزنامه خراسان از طریق یکی از دوستانش به نام فخرالدین حجازی که در روزنامه خراسان می نوشته بهر قرار شد. شریعتی جوان و خوش قلم، هم زمان با شروع کار روزنامه نگاری علاوه بر شغل معلمی وارد فضای ترجمه و تالیف کتاب هم شده بود. شریعتی در تولید محتوا سرعت بالایی داشت و همین ویژگی بازتد همکاران در تحریریه روزنامه شده بود. زندیهاد بر اهییم توسلی، مدیر چاپخانه روزنامه خراسان در خاطراتش می گوید: «مدتی بود که روزنامه در منتشر می شد، با این که مدیر چاپخانه بودم، ولی چون صاحب روزنامه برای مواجهه به مسافرت رفته بود، از من خواسته بود که در ۳۱ تیر ۱۲۸۸ و... تعدادی از دیگر شعر های بهار است که در روزنامه خراسان منتشر شد.

باز نشستگان تشکر کرد و گفت: من باز نشستستیم و هستم و در موارد بسیاری تأثیر یبگیری های روزنامه را در مسائل مربوط به خودمان دیده ام.»



سال های پر بار فعالیت حسن عمید در دهه ۲۰ شمسی بوده و روز گاری که در انتشار دوره جدید روزنامه خراسان در سال۱۳۲۸ شمسی، سمت سردبیری را به عهده گرفت و بیش از ۱۲ سال به طبع شعر و ذوق ادبی خوبی بر دو وارد دنیای ادبیات نوپسندگی شدو بعد از آن فعالیت های مطبوعاتی اش را آغاز کرد. حسن عمید ابتدا به روزنامه «طوس» رفت؛ روزنامه ای که محل چاپ آن، چاپخانه ای در محله باباخایان بود؛ جایی که از اسفند ۱۲۸۷ تا مرد ۱۲۸۸، نخستین شماردهای روزنامه خراسان در آن منتشر شد. در اردیبهلی، نماینده ه مردم در مجلس شورای ملی شد و به تهران رفت. اردیبهلی بعد از انفجار بمب در محل انجمن ایالتی خراسان، مصمم شد که نشریه ای را بنام «خراسان» منتشر کند، همین کار را هم در کنار فعالیت سیاسی، به کار مطبوعه ای ادامه دادو در آن جا سر فون و جنوده. این محصص روزنامه «ایران» در هتتم تیر در ۱۲۹۷ از دنیا رفت و در گورستان مشهور این بابویه شهری به خاک سپرده شد.

باز نشستگان تشکر کرد و گفت: من باز نشستستیم و هستم و در موارد بسیاری تأثیر یبگیری های روزنامه را در مسائل مربوط به خودمان دیده ام.»

خراسان روزنامه صبح ایران

بوده است؛ کسانی که نام و یاد آثار و خدماتشان همیشه ماندگار خواهد ماند؛ از ملک الشعرا بهار و شیخ احمد بهار و حسن عمید و

علی شریعتی گرفته تا محمدرضا شفیعی کدکنی. به مناسبت سالروز هفتاد و ششمین انتشار اولین شماره روزنامه

شیخ احمد بهار، پایه گذار چاپخانه روز نامه خراسان

یکی از بزرگانی که از ارکان اصلی روزنامه دیرینه «خراسان» به شمار می رفت و نقش مهمی در ماندگاری آن داشت، زندیهاد شیخ احمد بهار بود. او متولد ۱۲۶۸ هجری شمسی در محله سرشور مشهد بود. در سنین جوانی به انجمن های ادبی مشهد پیوست. در همین انجمن ها بود که قتره رفته به طبع شعر و ذوق ادبی خوبی بر دو وارد دنیای ادبیات نوپسندگی شدو بعد از آن مشغول بود. حسن عمید در هنگام پذیرفتن مسئولیت سردبیری ۲۳ ساله، زندیهاد شیخ احمد بهار که بهسر عمه ملک الشعرا بهار بود، طبع شعر داشت و در اشعارش، احمد، تخلص می کرد. شیخ احمد بهار البته اله سیاست هم بود و به همین دلیل وقتی ۱۹ ساله بود، به همراه سر ادبایی خود، ملک الشعرا بهار، در سال ۱۲۷۸ هجری شمسی، سروده ها و نوشته های سیاسی اش را در روزنامه خراسان عیدمشوره منتشر می کرد؛ اقدامی که بعدها منجر به تاسیس چاپخانه «خراسان» در سال ۱۲۹۲ شمسی و انتشار روزنامه «چمن» در سال ۱۲۹۳ شمسی در مشهد شد.

■ **تاسیس چاپخانه در سال های دهه ۱۲۹۰ شمسی**
زندیهاد بر اهییم توسلی، یکی از قدیمی ترین کارکنان چاپخانه خراسان که در سال ۱۳۱۸ ه.ش به استخدام آن درآمد و بعدها در مقام مدیریت چاپخانه، فعالیت

افشاگری استاد شفیعی کدکنی درباره یک سرقت ادبی

سابقه نوشتن درباره اصول فنی ادبی و هنری در روزنامه خراسان آن هم به قلم استادان صاحب نام این حوزه به سال های دور بر می گردد، به عنوان مثال یکی از موارد عجیب سرقت ادبی که حدود سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاده بودو ماجرای آن در روزنامه خراسان فاش شد. سرقت های ماهرانه ای توسط شخصی به نام کاظم غواص بود. غواص با خیال راحت سال ها اشعار حزین لاهیجی، شاعر سبک هندی قرن دوازدهم را با اندک تغییراتی در محافل ادبی به نام خودش می خواند، مخاطبان

از همه جا بی خبر هم با حیرت به این شعر ها گوش می دادند و این فرقه را مورد تحسین خود قرار می دادند. او تنها مخاطبان دادی شعر، بلکه تعداد زیادی از اشعار او صاحب سبک آن زمان را به تحسین واداشته بودو این شاعران هم از اصل ماجرابی خبر نبودند، اما روزگار خوش کاظم غواص، زمانی رو به افول گذشت که جوانی ۲۲ ساله که اتفاقا در روزنامه خراسان مطالبی می نوشت و دانشجوی دانشگاه مشهد بود، شعر های او شک کرد و با جدیت به بررسی این شعرها پرداخت. این جوان کسی نبود جز بهر فردی که بعد از اتمام امتحانات دانشگاه ادبی می کشی می شناسیم. شفیعی که به شعر ها و اشعارش شک کرده بود در گیر و دار بررسی منابع ادبیات کهن به دیوان حزین لاهیجی رسید. مسئولان آن زمان روزنامه خراسان را مسحور قدرت نویسندگی یبگیری های ریز و درشت زبانی نام مستعار بهر شخص، در خراسان منتشر می شد و مدتی بعد از وادها ی تحریریه تا مدتی کنار مطالب درج نمی شد. شفیعی کدکنی هم از این مورد مستثنا نبود، در نتیجه بسیاری از متن هایی که بر ای روزنامه خراسان نوشت، طبق رسم آن زمان، بی نام بود اما گاهی وقت ها یادداشت های قوی می نوشت که مسئولان آن زمان روزنامه خراسان را مسحور قدرت نویسندگی یبگیری های ریز و درشت زبانی نام مستعار بهر شخص، در خراسان منتشر می شد و مدتی بعد از وادها ی تحریریه تا مدتی کنار مطالب درج نمی شد. شفیعی کدکنی هم از این مطالب که در سال ۱۳۴۰ منتشر شد؛ «سرقت های ادبی استاد کاظم غواص!» یا «چهار حزین لاهیجی» (۱۸ بهمن ۴۰)، «یادی از گاندی» (۱۲ مهر ۴۰) و «در مقدمه نوروز» (۲۹ اسفند ۴۰) و...

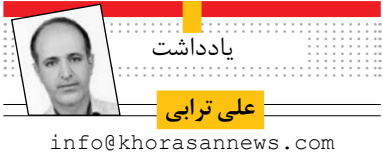
سابقه نوشتن درباره اصول فنی ادبی و هنری در روزنامه خراسان آن هم به قلم استادان صاحب نام این حوزه به سال های دور بر می گردد، به عنوان مثال یکی از موارد عجیب سرقت ادبی که حدود سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاده بودو ماجرای آن در روزنامه خراسان فاش شد. سرقت های ماهرانه ای توسط شخصی به نام کاظم غواص بود. غواص با خیال راحت سال ها اشعار حزین لاهیجی، شاعر سبک هندی قرن دوازدهم را با اندک تغییراتی در محافل ادبی به نام خودش می خواند، مخاطبان

از همه جا بی خبر هم با حیرت به این شعر ها گوش می دادند و این فرقه را مورد تحسین خود قرار می دادند. او تنها مخاطبان دادی شعر، بلکه تعداد زیادی از اشعار او صاحب سبک آن زمان را به تحسین واداشته بودو این شاعران هم از اصل ماجرابی خبر نبودند، اما روزگار خوش کاظم غواص، زمانی رو به افول گذشت که جوانی ۲۲ ساله که اتفاقا در روزنامه خراسان مطالبی می نوشت و دانشجوی دانشگاه مشهد بود، شعر های او شک کرد و با جدیت به بررسی این شعرها پرداخت. این جوان کسی نبود جز بهر فردی که بعد از اتمام امتحانات دانشگاه ادبی می کشی می شناسیم. شفیعی که به شعر ها و اشعارش شک کرده بود در گیر و دار بررسی منابع ادبیات کهن به دیوان حزین لاهیجی رسید.

مسئولان آن زمان روزنامه خراسان را مسحور قدرت نویسندگی یبگیری های ریز و درشت زبانی نام مستعار بهر شخص، در خراسان منتشر می شد و مدتی بعد از وادها ی تحریریه تا مدتی کنار مطالب درج نمی شد. شفیعی کدکنی هم از این مورد مستثنا نبود، در نتیجه بسیاری از متن هایی که بر ای روزنامه خراسان نوشت، طبق رسم آن زمان، بی نام بود اما گاهی وقت ها یادداشت های قوی می نوشت که مسئولان آن زمان روزنامه خراسان را مسحور قدرت نویسندگی یبگیری های ریز و درشت زبانی نام مستعار بهر شخص، در خراسان منتشر می شد و مدتی بعد از وادها ی تحریریه تا مدتی کنار مطالب درج نمی شد. شفیعی کدکنی هم از این مطالب که در سال ۱۳۴۰ منتشر شد؛ «سرقت های ادبی استاد کاظم غواص!» یا «چهار حزین لاهیجی» (۱۸ بهمن ۴۰)، «یادی از گاندی» (۱۲ مهر ۴۰) و «در مقدمه نوروز» (۲۹ اسفند ۴۰) و...

سابقه نوشتن درباره اصول فنی ادبی و هنری در روزنامه خراسان آن هم به قلم استادان صاحب نام این حوزه به سال های دور بر می گردد، به عنوان مثال یکی از موارد عجیب سرقت ادبی که حدود سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاده بودو ماجرای آن در روزنامه خراسان فاش شد. سرقت های ماهرانه ای توسط شخصی به نام کاظم غواص بود. غواص با خیال راحت سال ها اشعار حزین لاهیجی، شاعر سبک هندی قرن دوازدهم را با اندک تغییراتی در محافل ادبی به نام خودش می خواند، مخاطبان

پنج شنبه ۳۱ خرداد۱۴۰۳، شماره ۲۱۵۱۸ ۱۲ دی الحجه ۱۴۴۵، ۲۰ ژوئن ۲۰۲۲



صدای جامعه ورزش

روزنامه خراسان در طی دوران عمر با برکت خود همیشه سعی کرده است که صدای مردم باشد. هنوز هم همواره در تلاش است که با رصد و یبگیری های مداوم، مشکلات و چالش های مختلف را تا رسیدن به مرحله رفع دنیال کند و به گوش مسئولان برساند، این رسانه مردمی این که گره از مشکلات مردم باز کند و مسیر خوبی را بر ای آن ها هموار سازد، همیشه جزو فعالیت و وظیفه خود می داند که از تئوتک تا نوسته به بهترین نحوه بهر برساند. در بین حوزه های مختلف، ورزش خراسان رضوی در برهه های مختلف با مشکلات و چالش های زیادی همراه است که به روزنامه خراسان همیشه سعی کرده در میدان حضور فعال داشته باشد و صدای ورزشکاران، مربیان و داوران باشد.

روزنامه تا کنون گزارش های مختلفی در زمینه کمبود زیر ساخت ها، نخلغی ورزشکاران، نبود بودجه، پروژه ها ناتمام، ورزش خالصه شهر و... به چاپ رسانده است که با بازتاب های زیادی هم همراه بوده و باعث شده خیلی از مشکلات رفع شود و حتی بر کناری بهر بارش هیئت ورزشی را هم در دنبال داشته است. یکی از دغدغه های انتشارات خراسان و مردم هم بهر بحث، بحث افشا گرانه در رشته فوتبال بود که در زمان های مختلف تیم های زیادی وجود داشتند که با مشکلات همراه بودند. خبرنگاران گروه ورزشی بر اساس سالت خود گزارش های یبگیریانه ای از تیم های ورزشی داشتند که باعث شده مدیران برای رفع مشکلات اقدام کنند. به عنوان مثال در زمان حیات تیم ابوسلم گزارش های فراوانی از این تیم تهیه شد و خیلی از مسائل پشت پرده را افشا کردیم. خیلی از ورزشکاران ملی پوش دغدغه های زیادی برای حمایت داشتند که با تهیه گزارش ها بخشی از مشکلات آن ها باورد مدیران ورزشی حل شد. حتی در بخشی از رشته های ورزشی حامی مالی نداشتیم که به گزارش های خبرنگاران، شاهدورود حامیان مالی به بخش ورزش بوده ایم. برخی از پروژه های ورزشی سال های زیادی بود که در حال خاک خوردن بودند و روزنامه خراسان ورود کرد و با یبگیری، بودجه قابل توجهی برای آن فراهم شد. چه در روزهای دود که در کنار مخاطبان روزنامه به خاطر سقوط تیم های ورزشی گریه کردیم و چه روزهایی بود که برای پیروزی و موفقیت تیم ها سرور و شادمان شدیم. در مجموع یبگیری های ریز و درشت زبانی وجود داشته که بخشی از آن را بهر شرییم، اما صد ها شایدهزاران عنوان یبگیری دیگر، در طول دهه های گذشته توسط خبرنگاران ورزشی انجام گرفته و جالب تر این که به نتیجه رسیده است و از این بابت خبرند هستیم که هنوز صدای جامعه ورزشی هستیم.

سابقه نوشتن درباره اصول فنی ادبی و هنری در روزنامه خراسان آن هم به قلم استادان صاحب نام این حوزه به سال های دور بر می گردد، به عنوان مثال یکی از موارد عجیب سرقت ادبی که حدود سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاده بودو ماجرای آن در روزنامه خراسان فاش شد. سرقت های ماهرانه ای توسط شخصی به نام کاظم غواص بود. غواص با خیال راحت سال ها اشعار حزین لاهیجی، شاعر سبک هندی قرن دوازدهم را با اندک تغییراتی در محافل ادبی به نام خودش می خواند، مخاطبان

از همه جا بی خبر هم با حیرت به این شعر ها گوش می دادند و این فرقه را مورد تحسین خود قرار می دادند. او تنها مخاطبان دادی شعر، بلکه تعداد زیادی از اشعار او صاحب سبک آن زمان را به تحسین واداشته بودو این شاعران هم از اصل ماجرابی خبر نبودند، اما روزگار خوش کاظم غواص، زمانی رو به افول گذشت که جوانی ۲۲ ساله که اتفاقا در روزنامه خراسان مطالبی می نوشت و دانشجوی دانشگاه مشهد بود، شعر های او شک کرد و با جدیت به بررسی این شعرها پرداخت. این جوان کسی نبود جز بهر فردی که بعد از اتمام امتحانات دانشگاه ادبی می کشی می شناسیم. شفیعی که به شعر ها و اشعارش شک کرده بود در گیر و دار بررسی منابع ادبیات کهن به دیوان حزین لاهیجی رسید.

مسئولان آن زمان روزنامه خراسان را مسحور قدرت نویسندگی یبگیری های ریز و درشت زبانی نام مستعار بهر شخص، در خراسان منتشر می شد و مدتی بعد از وادها ی تحریریه تا مدتی کنار مطالب درج نمی شد. شفیعی کدکنی هم از این مورد مستثنا نبود، در نتیجه بسیاری از متن هایی که بر ای روزنامه خراسان نوشت، طبق رسم آن زمان، بی نام بود اما گاهی وقت ها یادداشت های قوی می نوشت که مسئولان آن زمان روزنامه خراسان را مسحور قدرت نویسندگی یبگیری های ریز و درشت زبانی نام مستعار بهر شخص، در خراسان منتشر می شد و مدتی بعد از وادها ی تحریریه تا مدتی کنار مطالب درج نمی شد. شفیعی کدکنی هم از این مطالب که در سال ۱۳۴۰ منتشر شد؛ «سرقت های ادبی استاد کاظم غواص!» یا «چهار حزین لاهیجی» (۱۸ بهمن ۴۰)، «یادی از گاندی» (۱۲ مهر ۴۰) و «در مقدمه نوروز» (۲۹ اسفند ۴۰) و...

سابقه نوشتن درباره اصول فنی ادبی و هنری در روزنامه خراسان آن هم به قلم استادان صاحب نام این حوزه به سال های دور بر می گردد، به عنوان مثال یکی از موارد عجیب سرقت ادبی که حدود سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاده بودو ماجرای آن در روزنامه خراسان فاش شد. سرقت های ماهرانه ای توسط شخصی به نام کاظم غواص بود. غواص با خیال راحت سال ها اشعار حزین لاهیجی، شاعر سبک هندی قرن دوازدهم را با اندک تغییراتی در محافل ادبی به نام خودش می خواند، مخاطبان

از همه جا بی خبر هم با حیرت به این شعر ها گوش می دادند و این فرقه را مورد تحسین خود قرار می دادند. او تنها مخاطبان دادی شعر، بلکه تعداد زیادی از اشعار او صاحب سبک آن زمان را به تحسین واداشته بودو این شاعران هم از اصل ماجرابی خبر نبودند، اما روزگار خوش کاظم غواص، زمانی رو به افول گذشت که جوانی ۲۲ ساله که اتفاقا در روزنامه خراسان مطالبی می نوشت و دانشجوی دانشگاه مشهد بود، شعر های او شک کرد و با جدیت به بررسی این شعرها پرداخت. این جوان کسی نبود جز بهر فردی که بعد از اتمام امتحانات دانشگاه ادبی می کشی می شناسیم. شفیعی که به شعر ها و اشعارش شک کرده بود در گیر و دار بررسی منابع ادبیات کهن به دیوان حزین لاهیجی رسید.

سابقه نوشتن درباره اصول فنی ادبی و هنری در روزنامه خراسان آن هم به قلم استادان صاحب نام این حوزه به سال های دور بر می گردد، به عنوان مثال یکی از موارد عجیب سرقت ادبی که حدود سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاده بودو ماجرای آن در روزنامه خراسان فاش شد. سرقت های ماهرانه ای توسط شخصی به نام کاظم غواص بود. غواص با خیال راحت سال ها اشعار حزین لاهیجی، شاعر سبک هندی قرن دوازدهم را با اندک تغییراتی در محافل ادبی به نام خودش می خواند، مخاطبان

از همه جا بی خبر هم با حیرت به این شعر ها گوش می دادند و این فرقه را مورد تحسین خود قرار می دادند. او تنها مخاطبان دادی شعر، بلکه تعداد زیادی از اشعار او صاحب سبک آن زمان را به تحسین واداشته بودو این شاعران هم از اصل ماجرابی خبر نبودند، اما روزگار خوش کاظم غواص، زمانی رو به افول گذشت که جوانی ۲۲ ساله که اتفاقا در روزنامه خراسان مطالبی می نوشت و دانشجوی دانشگاه مشهد بود، شعر های او شک کرد و با جدیت به بررسی این شعرها پرداخت. این جوان کسی نبود جز بهر فردی که بعد از اتمام امتحانات دانشگاه ادبی می کشی می شناسیم. شفیعی که به شعر ها و اشعارش شک کرده بود در گیر و دار بررسی منابع ادبیات کهن به دیوان حزین لاهیجی رسید.

سابقه نوشتن درباره اصول فنی ادبی و هنری در روزنامه خراسان آن هم به قلم استادان صاحب نام این حوزه به سال های دور بر می گردد، به عنوان مثال یکی از موارد عجیب سرقت ادبی که حدود سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاده بودو ماجرای آن در روزنامه خراسان فاش شد. سرقت های ماهرانه ای توسط شخصی به نام کاظم غواص بود. غواص با خیال راحت سال ها اشعار حزین لاهیجی، شاعر سبک هندی قرن دوازدهم را با اندک تغییراتی در محافل ادبی به نام خودش می خواند، مخاطبان

از همه جا بی خبر هم با حیرت به این شعر ها گوش می دادند و این فرقه را مورد تحسین خود قرار می دادند. او تنها مخاطبان دادی شعر، بلکه تعداد زیادی از اشعار او صاحب سبک آن زمان را به تحسین واداشته بودو این شاعران هم از اصل ماجرابی خبر نبودند، اما روزگار خوش کاظم غواص، زمانی رو به افول گذشت که جوانی ۲۲ ساله که اتفاقا در روزنامه خراسان مطالبی می نوشت و دانشجوی دانشگاه مشهد بود، شعر های او شک کرد و با جدیت به بررسی این شعرها پرداخت. این جوان کسی نبود جز بهر فردی که بعد از اتمام امتحانات دانشگاه ادبی می کشی می شناسیم. شفیعی که به شعر ها و اشعارش شک کرده بود در گیر و دار بررسی منابع ادبیات کهن به دیوان حزین لاهیجی رسید.

سابقه نوشتن درباره اصول فنی ادبی و هنری در روزنامه خراسان آن هم به قلم استادان صاحب نام این حوزه به سال های دور بر می گردد، به عنوان مثال یکی از موارد عجیب سرقت ادبی که حدود سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاده بودو ماجرای آن در روزنامه خراسان فاش شد. سرقت های ماهرانه ای توسط شخصی به نام کاظم غواص بود. غواص با خیال راحت سال ها اشعار حزین لاهیجی، شاعر سبک هندی قرن دوازدهم را با اندک تغییراتی در محافل ادبی به نام خودش می خواند، مخاطبان

از همه جا بی خبر هم با حیرت به این شعر ها گوش می دادند و این فرقه را مورد تحسین خود قرار می دادند. او تنها مخاطبان دادی شعر، بلکه تعداد زیادی از اشعار او صاحب سبک آن زمان را به تحسین واداشته بودو این شاعران هم از اصل ماجرابی خبر نبودند، اما روزگار خوش کاظم غواص، زمانی رو به افول گذشت که جوانی ۲۲ ساله که اتفاقا در روزنامه خراسان مطالبی می نوشت و دانشجوی دانشگاه مشهد بود، شعر های او شک کرد و با جدیت به بررسی این شعرها پرداخت. این جوان کسی نبود جز بهر فردی که بعد از اتمام امتحانات دانشگاه ادبی می کشی می شناسیم. شفیعی که به شعر ها و اشعارش شک کرده بود در گیر و دار بررسی منابع ادبیات کهن به دیوان حزین لاهیجی رسید.

سابقه نوشتن درباره اصول فنی ادبی و هنری در روزنامه خراسان آن هم به قلم استادان صاحب نام این حوزه به سال های دور بر می گردد، به عنوان مثال یکی از موارد عجیب سرقت ادبی که حدود سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاده بودو ماجرای آن در روزنامه خراسان فاش شد. سرقت های ماهرانه ای توسط شخصی به نام کاظم غواص بود. غواص با خیال راحت سال ها اشعار حزین لاهیجی، شاعر سبک هندی قرن دوازدهم را با اندک تغییراتی در محافل ادبی به نام خودش می خواند، مخاطبان

از همه جا بی خبر هم با حیرت به این شعر ها گوش می دادند و این فرقه را مورد تحسین خود قرار می دادند. او تنها مخاطبان دادی شعر، بلکه تعداد زیادی از اشعار او صاحب سبک آن زمان را به تحسین واداشته بودو این شاعران هم از اصل ماجرابی خبر نبودند، اما روزگار خوش کاظم غواص، زمانی رو به افول گذشت که جوانی ۲۲ ساله که اتفاقا در روزنامه خراسان مطالبی می نوشت و دانشجوی دانشگاه مشهد بود، شعر های او شک کرد و با جدیت به بررسی این شعرها پرداخت. این جوان کسی نبود جز بهر فردی که بعد از اتمام امتحانات دانشگاه ادبی می کشی می شناسیم. شفیعی که به شعر ها و اشعارش شک کرده بود در گیر و دار بررسی منابع ادبیات کهن به دیوان حزین لاهیجی رسید.

سابقه نوشتن درباره اصول فنی ادبی و هنری در روزنامه خراسان آن هم به قلم استادان صاحب نام این حوزه به سال های دور بر می گردد، به عنوان مثال یکی از موارد عجیب سرقت ادبی که حدود سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاده بودو ماجرای آن در روزنامه خراسان فاش شد. سرقت های ماهرانه ای توسط شخصی به نام کاظم غواص بود. غواص با خیال راحت سال ها اشعار حزین لاهیجی، شاعر سبک هندی قرن دوازدهم را با اندک تغییراتی در محافل ادبی به نام خودش می خواند، مخاطبان

از همه جا بی خبر هم با حیرت به این شعر ها گوش می دادند و این فرقه را مورد تحسین خود قرار می دادند. او تنها مخاطبان دادی شعر، بلکه تعداد زیادی از اشعار او صاحب سبک آن زمان را به تحسین واداشته بودو این شاعران هم از اصل ماجرابی خبر نبودند، اما روزگار خوش کاظم غواص، زمانی رو به افول گذشت که جوانی ۲۲ ساله که اتفاقا در روزنامه خراسان مطالبی می نوشت و دانشجوی دانشگاه مشهد بود، شعر های او شک کرد و با جدیت به بررسی این شعرها پرداخت. این جوان کسی نبود جز بهر فردی که بعد از اتمام امتحانات دانشگاه ادبی می کشی می شناسیم. شفیعی که به شعر ها و اشعارش شک کرده بود در گیر و دار بررسی منابع ادبیات کهن به دیوان حزین لاهیجی رسید.

سابقه نوشتن درباره اصول فنی ادبی و هنری در روزنامه خراسان آن هم به قلم استادان صاحب نام این حوزه به سال های دور بر می گردد، به عنوان مثال یکی از موارد عجیب سرقت ادبی که حدود سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاده بودو ماجرای آن در روزنامه خراسان فاش شد. سرقت های ماهرانه ای توسط شخصی به نام کاظم غواص بود. غواص با خیال راحت سال ها اشعار حزین لاهیجی، شاعر سبک هندی قرن دوازدهم را با اندک تغییراتی در محافل ادبی به نام خودش می خواند، مخاطبان

از همه جا بی خبر هم با حیرت به این شعر ها گوش می دادند و این فرقه را مورد تحسین خود قرار می دادند. او تنها مخاطبان دادی شعر، بلکه تعداد زیادی از اشعار او صاحب سبک آن زمان را به تحسین واداشته بودو این شاعران هم از اصل ماجرابی خبر نبودند، اما روزگار خوش کاظم غواص، زمانی رو به افول گذشت که جوانی ۲۲ ساله که اتفاقا در روزنامه خراسان مطالبی می نوشت و دانشجوی دانشگاه مشهد بود، شعر های او شک کرد و با جدیت به بررسی این شعرها پرداخت. این جوان کسی نبود جز بهر فردی که بعد از اتمام امتحانات دانشگاه ادبی می کشی می شناسیم. شفیعی که به شعر ها و اشعارش شک کرده بود در گیر و دار بررسی منابع ادبیات کهن به دیوان حزین لاهیجی رسید.

سابقه نوشتن درباره اصول فنی ادبی و هنری در روزنامه خراسان آن هم به قلم استادان صاحب نام این حوزه به سال های دور بر می گردد، به عنوان مثال یکی از موارد عجیب سرقت ادبی که حدود سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاده بودو ماجرای آن در روزنامه خراسان فاش شد. سرقت های ماهرانه ای توسط شخصی به نام کاظم غواص بود. غواص با خیال راحت سال ها اشعار حزین لاهیجی، شاعر سبک هندی قرن دوازدهم را با اندک تغییراتی در محافل ادبی به نام خودش می خواند، مخاطبان

از همه جا بی خبر هم با حیرت به این شعر ها گوش می دادند و این فرقه را مورد تحسین خود قرار می دادند. او تنها مخاطبان دادی شعر، بلکه تعداد زیادی از اشعار او صاحب سبک آن زمان را به تحسین واداشته بودو این شاعران هم از اصل ماجرابی خبر نبودند، اما روزگار خوش کاظم غواص، زمانی رو به افول گذشت که جوانی ۲۲ ساله که اتفاقا در روزنامه خراسان مطالبی می نوشت و دانشجوی دانشگاه مشهد بود، شعر های او شک کرد و با جدیت به بررسی این شعرها پرداخت. این جوان کسی نبود جز بهر فردی که بعد از اتمام امتحانات دانشگاه ادبی می کشی می شناسیم. شفیعی که به شعر ها و اشعارش شک کرده بود در گیر و دار بررسی منابع ادبیات کهن به دیوان حزین لاهیجی رسید.

سابقه نوشتن درباره اصول فنی ادبی و هنری در روزنامه خراسان آن هم به قلم استادان صاحب نام این حوزه به سال های دور بر می گردد، به عنوان مثال یکی از موارد عجیب سرقت ادبی که حدود سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاده بودو ماجرای آن در روزنامه خراسان فاش شد. سرقت های ماهرانه ای توسط شخصی به نام کاظم غواص بود. غواص با خیال راحت سال ها اشعار حزین لاهیجی، شاعر سبک